

آثار زیانبار غفلت و راهکارهای خروج از آن از منظر آیات و روایات

معصومه شریفی زاده^۱

چکیده

غفلت به معنای سهو، بی خبری و توجه نداشتن از واقعیت‌های زندگی فعلی و گذشته است. فراموش کردن نعمات و صفات پاک خداوند را غفلت می‌گویند. غفلت در زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان اثرات زیانبار زیادی دارد. افراد باید سعی کنند که برای رها شدن از این منجلاب غفلت راههایی را که در آموزه‌های اخلاقی و اسلامی رواج دارد را انتخاب کنند تا بتوانند هم در دنیا رستگار شوند و هم در آخرت به پاداش برسند. هدف از مقاله‌ی حاضر که به روش توصیفی-کتابخانه‌ای تدوین شده است، شناخت آثار زیانبار غفلت و راهکارهای خروج از آن از منظر آیات و روایات است. یافته‌ها حاکی از آن است که اثرات جبران ناپذیر دنیوی آن که شامل تنگی معیشت، خودفراموشی، دوستی با شیطان، قسی قلب شدن انسان خواهد شد و اثرات جبران ناپذیر اخروی نیز سبب عذاب قبر و نابینایی فرد غافل در قیامت است، راهکارهای خروج از غفلت نیز توجه به خداوند و آیات الهی و استمرار و دوام ذکر است که انسان با این کارها می‌تواند از غفلت و اثرات زیانبار آن رهایی یابد.

واژگان کلیدی: غفلت، یقظه، نسیان، آیات و روایات

۱ طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه (س)

مقدمه

غفلت که همان انصراف توجه انسان از مطلبی است، از عوامل مهمی است که آدمی را به سوی دوزخ می‌راند و از خدا و کمالات انسانی دور می‌سازد. از این رو خداوند در آیات قرآنی با ارایه گزارش‌هایی از اقوام پیشین که دچار عذاب مستقیم الهی در زمین شده‌اند بیان می‌دارد که غفلت از خداوند مهم‌ترین عامل هلاکت و عذاب الهی بوده است. خداوند در آیاتی حتی پیامبر گرامی (ص) را از این که از اهل غفلت باشد، پرهیز داده و راه‌هایی از آن را آموخته است؛ زیرا غفلت به شکل عام و خاص آن موجب می‌شود تا آدمی از دستیابی به کمال باز ماند و از قرار گرفتن و یا باقی‌ماندن در مسیر کمالی دور شود. در فن اخلاق، غفلت به عنوان «مانع»، و بیداری به عنوان «شرط لازم» تهذیب نفس و سیر و سلوک شمرده شده است. در تعبیرات دینی از کسانی که اهل سیر و سلوک نیستند به عنوان «خوابیده» یا «مست» یاد می‌شود. مست کسی است که «می» عقلش را پوشانده است و بنابراین، جوانی و یا مقام و غرور و مال هم، از آن جهت که چهره عقل را می‌پوشاند و نمی‌گذارد انسان بیدار شود و حرکت کند، مست‌کننده است. غفلت و فراموشی یاد خدا در زندگی اثرات زیانباری دارد و مایه‌ی شقاوت و پدیدآورنده‌ی هر نقصی در انسان خواهد شد. انسان با فراموشی و غفلت از یاد خداوند، از عظمت حق محروم خواهد شد و به غرور و تکبر دچار خواهد شد، چنین فردی گناه را ناچیز دانسته و اندک عبادت خود را بزرگ و موثر می‌داند. بنابراین همواره می‌بایست فرد به راهکارهای خروج از غفلت توجه کند تا اگر ناخواسته به این امر ناپسند گرفتار شده، بتواند به راحتی از آن فاصله بگیرد.

ببررسی به عمل آمده پیرامون این موضوع مطالب کلی با عناوین مشابه یافت شد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود :

- مقاله‌ی رضا شریفی با موضوع «غفلت، پیامدها و راه‌های نجات»؛ در این مقاله نشانه‌ها، آثار و تبعات و نتایج حاصل از غفلت انسان را واکاوی کرده و در نهایت راهکار‌هایی از این بیماری را بازگو می‌کند. در حقیقت غفلت همان انصراف توجه انسان از مطلبی است که باید متوجه آن باشد و از عوامل مهمی است که آدمی را به سمت دوزخ می‌راند و از خدا و کمالات انسانی دور می‌سازد.

- مظاهر غفلت در انسان از آیت الله محمد تقی مصباح یزدی ، ملاک و ارزش انسان را به آگاهی دانسته هر قدر کارهای انسان آگاهانه‌تر باشد و انسان نسبت به کار خود توجه بیشتر و شناخت بیشتر داشته باشد کار انسانی‌تر است.
- در کتاب اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم جمعی از نویسندگان زیر نظر مهدی علیزاده به این نکته توجه داشته که مایه تمام شقاوت‌ها و سرچشمه تمام نقایص غفلت است. با فراموشی خدا، عظمت حق مفعول می‌ماند و فرد به کمند غرور و خود بزرگ بینی گرفتار می‌آید.

امتیاز مقاله‌ی حاضر با مطالعات پیشین در این است که این مقاله قصد دارد به صورت جامع و روش‌مند به این آثار دنیوی و اخروی غفلت از یاد خداوند و راه‌های خروج از آن بپردازد.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱ غفلت

غفلت در لغت نامه‌های عربی به معنای مختلفی آمده است از جمله: ابن عجبیه در کتاب البحر المدید می‌نویسد: «الْغَفْلَةُ هُنَا بِاعْتِبَارِ عَدَمِ مُوَافَقَةِ الْقَلْبُ لِلِّسَانِ فِي الذِّكْرِ»^۱؛ غفلت در این جابه اعتبار عدم موافقت زبان قلب در سخن معنی شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ...»^۲؛ کفار دوست دارند که یککاش از اسلحه و متاع‌های خویش غفلت میکردید.. آیه روشن می‌کند: غفلت آن است که چیزی حاضر باشد ولی انسان به آن توجه نکند و آن را فراموش کند.^۳

۱ ابن عجبیه، البحر المدید فی تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲ نساء: ۱۰۲.

۳ قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۱۱.

راغب در مفردات الفاظ می‌نویسد: «الغفلة: سهو و لغزشی که انسان را به خاطر کمی مراقبت و کمی هوشیاری و بیداری فرا می‌گیرد. می‌گویند: غفل فهو غافل».^۱

در لسان العرب این‌گونه آمده است: غَفَلَ عَنْهُ يَغْفُلُ غُفُولًا وَ غَفْلَةً وَ أَغْفَلَهُ عَنْهُ غِثْرُهُ وَ أَغْفَلَهُ: تركه و سها عنه؛ غفلت در اصل لغت به معنی پوشیده و مخفی بودن است.^۲ «غفل غفولا و غفله و غفلا عنه، از او غافل شد».^۳

فراهیدی در کتاب العين می‌نویسد: «رَجُلٌ غَفْلٌ: لَيْسَ يُعْرِفُ مَا عِنْدَهُ وَ يُقَالُ: لَا يُعْرِفُ لَهُ حَسَبٌ»؛^۴ رجل غُفْلٌ به انسان ناشناخته اطلاق می‌شود که حسب و نسب او مجهول است.

در کتاب التحقيق فی الکلمات قرآن کریم آمده است: الْغَفْلَةُ: غَيْبَةُ الشَّيْءِ عَنْ بَالِ الْإِنْسَانِ وَ عَدَمُ تَذَكُّرِهِ لَهُ، وَ قَدْ اسْتَعْمَلَ فِيمُكِّنُ تَرْكُهُ إِهْمَالًا وَ إِعْرَاضًا؛ غفلت عبارت است از: غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم یادآوری آن و گاهی به کار برده می‌شود پس ممکن است ترک آن از روی بی‌توجهی و روی گرداندن باشد. «غفل: أَصْلُ صَحِيحٌ يَدُلُّ عَلَى تَرَكَ الشَّيْءِ سَهْوًا، وَ رُبَّمَا كَانَ عَنْ عَمْدٍ»؛^۵ دلالت می‌کند بر بی‌توجهی بر ترک کردن چیزی چه بسا از روی عمد.

در فرهنگ فارسی عمید آمده است. غفلت، فراموش کردن، از یاد بردن و بی‌خبری فراموش‌کاری و سهو و اهمال، غفلت کردن نا آگاه و بی‌خبر شدن هم معنا شده است.^۶

طالقانی در کتاب خود غفلت را «نادیده پنداشتن، بخود واگذاریدن، فراموش نمودن»^۷ معنی نموده است. طیب نیز بیان نموده که «غفلت عبارت از عدم توجه است و سهو، خروج از قوه ذاکره، و

۱ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۰۴.

۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۹۸.

۳ افرام البستانی، فرهنگ جدید عربی به فارسی، ص ۳۹۷.

۴ فراهیدی، العين، ج ۴، ص ۴۲۰.

۵ مصطفوی، التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۴۵.

۶ عمید، فرهنگ جیبی عمید، ص ۸۸۹.

۷ طالقانی، پرتوی از قرآن، ج ۱، ص ۳۲۰.

نسیان، خروج از قوه حافظه می‌باشد و لذا در مورد غفلت و سهو با اندک توجه متذکر می‌شویم ولی در مورد نسیان بسا کمال توجه می‌شود و مطلب به نظر نمی‌آید.^۱

همچنین در مجمع البیان آمده که: «الْغَفْلَةُ السَّهْوُ عَنِ الشَّيْءِ وَهُوَ ذِهَابُ الْمَعْنَى عَنِ النَّفْسِ بَعْدَ حُضُورِهِ وَ يُقَالُ تَغَافَلْتُ عَلَى عَمْدٍ أَيْ عَمِلْتُ عَمَلًا سَاهِيًا»^۲؛ غفلت بی‌توجهی از چیزی است و آن رفتن معنی از نفس است بعد از حاضر بودنش و گفته می‌شود تظاهر به بی‌توجهی کردن از روی عمد، یعنی عمل کردن، عمل شخص غافل و بی‌توجه را.

در اصطلاح قرآنی غفلت یعنی: «آن سستی نفس است از التفات و توجه به آن چه که غرض و مطلبش در آن است، چه غرض عاجلش و چه غرض اجلش. و ضدش نیت است و مرادش اراده و قصد است و آن برانگیختگی نفس و توجه آن به چیزی است که مطلب و مقصودش در آن نباشد، چه در حال چه در آینده»^۳.

۲- اثرات زیانبار دنیوی غفلت

انسان تا در این دنیا زندگی می‌کند دچار برخی مشکلاتی خواهد شد که بر اثر غفلت از یاد خدا گریبان او را خواهد گرفت، این اثرات شامل تنگی معیشت در زندگی فردی، خودفراموشی، دوستی با شیطان، مراقبت شیطان و ... است. که در زیر در حد مجال مقاله به برخی از این موارد پرداخته خواهد شد.

۲-۱ تنگی معیشت

گاه می‌شود که درهای زندگی به کلی به روی انسان بسته می‌شود، و دست به هر کاری می‌زند، به بن بست می‌خورد و انگار همه‌ی درها به رویش قفل شده است. آدمی اگر از عمق وجود به خدایش معتقد باشد، به او لطمه‌ای نمی‌خورد. گاهی به عکس، به هر جا رو می‌آورد خود را در

۱ طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۲۳.

۲ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۸۰

۳ نراقی، جامع السعادت، ج ۲، ص ۳۹۹.

آدمی اگر همواره با توجه به خداوند و آیات الهی نه تنها غفلت از او دور خواهد شد بلکه به سبب همین توجه به خداوند و آیات الهی که همواره بر لب و زبان خود جاری ساخته مونس و محبوب پروردگار نیز خواهد شد که برترین و بهترین موهبت الهی همین هم نشینی با خداوند متعال است.

۴-۲ استمرار و دوام ذکر

آدمی با ذکر گفتن همواره نفس خود را نجات خواهد دارد، سعادت را ضمانت خواهد کرد، و این باعث خواهد شد که غفلت نیز از او رخت بربندد. ذکر گفتن علاوه بر نجات نفس سبب خواهد شد که قلب نیز از خواب غفلت برخاسته و در پی معشوق و تکاملات معنوی رود. خداوند در قرآن نزدیک ترین راه برای رهایی این حجم از دلهره و تشویش را نشان داده است و آن هم با آیهی «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آنها که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست»^۱.

اذکار الهی، یاد خداوند را همواره در وجود انسان زنده کرده و حس آرامش طلبی را که در فطرت او نهفته است، پاسخ خواهد داد. انسان بر اثر غفلت همواره برای کسب آرامش به دنبال ثروت و رفاه مادی گرایانه خواهد رفت، برخی نیز در کسب مقام و شهرت در پی آرامش هستند، اما این آرامش کاذب بوده و تسکین دهنده‌ی آنان نخواهد بود. خداوند خود در آیه ۲۸ سوره رعد فرموده که تنها با یاد خدا دل آرام خواهد شد.^۲

خداوند در آیه‌ای دیگر فرموده است: «...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ ... و نماز را برای یاد من برپا دار».^۳ خداوند منافقین را جزو غافلین نام برده است و فرموده: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ پس وای بر آن نماز گزاران * که دل از یاد خدا غافل دارند».^۴ این آیه اشاره به کسانی دارد که نماز را جز ذکر لسانی و برای ریا و خودنمایی می‌خوانند و نه برای یاد خداوند و به دست آوردن

۱ رعد: ۲۸.

۲ نساجی زواره، آثار ذکر در سازندگی روحی و اخلاقی، ص ۴.

۳ طه: ۱۴.

۴ ماعون: ۴-۵.

آرامش دل خود. اینان جزو غافلانی هستند که کارشان زار خواهد بود. اینان که از نماز خود غافل هستند چه بسا از مردم و جامعه نیز غفلت ورزند.^۱

احیای قلب تنها به وسیله‌ی ذکر الهی صورت خواهد گرفت؛ امام علی (ع) فرمودند: «فِي الذِّكْرِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ؛ زندگی دل و جان با یاد خداست».^۲

آدمی با اذکار الهی، نماز، دعا و ... به آرامش قلبی دست خواهد یافت. آرامشی که خداوند در فطرت او نهاده است و این آرامش باعث خواهد شد که در زندگی دنیوی خود همواره پیشرفت کند و مایه فخر خود، خانواده و جامعه‌ی اسلامی در سراسر جهان شود. همان‌گونه که پیامبر فرموده است: «فَإِنَّهُ مَنْ أَقْبَلَ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبِهِ جَعَلَ اللَّهُ قُلُوبَ الْعِبَادِ مُنْقَادَةً إِلَيْهِ بِالْمَوَدَّةِ وَالرَّحْمَةِ؛ اگر شما خود را از هموم دنیا فارغ ساختید، به سوی خدا اقبال کرده اید و اگر این چنین شد، خداوند قلوب مردم را متوجه شما کرده و محبوب دل‌ها می شوید».^۳

۱ قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۶۰۸.

۲ آمدی، غررالحکم و دررالكلم، ص ۴۷۶.

۳ محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، ص ۱۱۴.

نتیجه گیری

غفلت به معنای فراموش کردن است و انسان غافل همواره خدای خویش را نیز فراموش خواهد کرد و این سبب خواهد شد که او قسی القلب شده و دیگر الطاف الهی و موعظه، پند و اندرز و ... در او اثر نداشته باشد. به همین دلیل دچار اثرات زیانبار دنیوی و اخروی خواهد شد که جبران آنان سخت خواهد بود، به همین دلیل نیاز است که انسان راهکارهای خروج از غفلت را بداند تا از این اثرات نجات یابد.

مقاله‌ی حاضر با توجه به مطالعات پیشین و منابع در دسترس به نتایج زیر دست یافته است:

- اثرات زیانبار دنیوی غفلت که شامل تنگی معیشت خواهد شد که انسان غافل تنها به فکر جمع‌آوری مال و ثروت است و حب دنیا او را گرفتار کرده است، خودفراموشی نیز اثرات زیانباری دارد که فرد نفس خود را فراموش خواهد کرد و به ورطه‌ی گناه خواهد افتاد، دوستی با شیطان نیز انسان غرق در لذات و شهوات دنیوی خواهد شد و ریسمان گناه گردن او را به هر طرفی خواهد کشاند، قسی قلب شدن غافلان که سبب گناه، آرزوهای طولانی و انحراف دل آنان خواهد گشت.
- اثرات زیانبار اخروی غفلت که سبب خواهد شد غافلان به عذاب قبر و نابینایی در محشر و قیامت دچار شوند، آنان کور و کر خواهند شد.
- راهکارهای خروج از غفلت نیز شامل کسانی است که توجه به خداوند و آیات الهی او دارند و از همنشینی با خداوند لذت می‌برند، آنان همواره ذاکر پروردگار هستند و از این راه از غفلت در امان خواهند بود.

منابع

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه

۱. ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المديد فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد عبدالله رسلان قرشی، ج ۱، قاهره : ناشر حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۳. افرام البستانی، فؤاد، فرهنگ جدید عربی به فارسی، مترجم: محمد بندر ریگی، بی جا: انتشارات اسلامی، بی تا.
۴. بنی هاشمی، سلسله درس های مهدویت، تهران: منیر، ۱۳۸۹ش.
۵. آمدی، عیدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، سید باقر میرعبداللهی، قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ هشتم، ۱۳۹۵ش.
۶. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، ج ۹، تهران: مسلم، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، هاشم رسولی، ج ۱، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۸. راغب اصفهانی، محمد، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
۹. شیخ طوسی، محمد ابن حسن، امالی، دمشق: نشر دارالتقایه، ۱۴۱۴ق.
۱۰. طالقانی، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، تحقیق: محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.

۱۴. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۵، تهران: کتابفروشی صدوق، ۱۳۶۰ ش.
۱۵. علامه، ضیاءالدین، الوافی، ج ۵، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علی (علیه السلام) العامه، ۱۴۰۶ ش.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ جیبی عمید، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۳-۸، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. — میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، ج ۸، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، مشکات، ویرایش: محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۲۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
۲۶. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، ج ۱۲، تهران: انتشارات اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۲۷. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادت، ترجمه کریم فیضی پور، ج ۲، تهران: قائم آل محمد (ص)، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
۲۸. نساجی زواره، اسماعیل، آثار ذکر در سازندگی روحی و اخلاقی، ماهنامه مکتب اسلام، شماره ۱، ۱۳۸۲ ش.